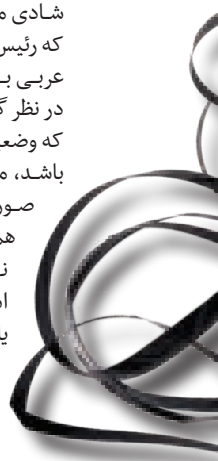


صلح طلب یا جنگ جو ✕

در ادامه صدای نامفهومی هست ولی از پاسخ صدام مشخص است که بحثی درباره‌ی میانجی‌گری سیاسی مطرح شده است و صدام می‌گوید: «ما میانجی‌گری را پذیرفتیم. من به رفقا گفتم اگر کسی به شما مراجعه کرد و خواستار وساطت شد، به او بگویید که این کار مورد پذیرشمان است که ما دوست داریم شما واسطه شوید.» فردی از جلسه توضیح می‌دهد که میانجی وجود ندارد؛ «چیزی که دردناک است این است که پاسخ اعراب و رژیم‌ها منفی است. آن‌ها یا تماشاگرند و از دیدن بدبختی ما شادی می‌کنند یا توطئه‌گران مزدبگیرند. همان‌طور که رئیس‌جمهور اشاره کرد، انتظار ندارم که رژیم‌های عربی به ما کمک کنند. در مورد مردم عرب، بدون در نظر گرفتن تأثیر منفی رژیم‌های عربی، مسلم است که وضعیت متفاوت است. اگر نتیجه موفقیت‌آمیز باشد، مردم عرب خوشحال خواهند شد و در آن صورت رژیم‌های عربی تأثیری نخواهند داشت. همان‌طور که می‌دانید کارها بر اساس نتیجه‌ی نهایی قضاوت می‌شوند. بر همگان روشن است که وضعیت شط‌العرب مانند زین‌القوس یا سیف سعد نیست. وضعیت بسیار پیچیده است و ممکن است به یک جنگ تمام‌عیار منجر شود. این نظر من است. به‌خصوص که ایرانی‌ها نیروی دریایی بهتری دارند و با پایگاه‌های نظامی زیادی که در ساحلی به طول ۸۶۰ کیلومتر پخش شده‌اند متمایز شده‌اند. همین‌طور موضوع نتیجه‌ی درگیری و تأثیر آن بر



✕ نگرانی همیشگی

پیر رازو تحلیلگر فرانسوی جنگ ایران و عراق در کتاب تاریخ جنگ ایران و عراق توضیح داده که صدام چگونه برای تحکیم قدرتش ارتش را تصفیه کرد و وفادارانش را به سمت‌های بالای نظامی منصوب کرد. رازو نوشته که صدام می‌دانست برای مقابله با ایران به ارتشی کارآمد نیاز دارد اما خودش که با شبه‌کودتا روی کارآمده بود همواره از کودتای نظامی در هراس بود و به تعبیر رازو: «ترس از کودتا، چشم‌منطق صدام را کور کرده بود.» رازو نوشته است که صدام افسران بی‌تجربه و تازه فارغ‌التحصیل‌شده را مجبور کرد تا در برابر او قسم وفاداری بخورند و به آن‌ها درجه‌های بالا داد.



④ حسن البکر و صدام. چند ماه پس از پیروزی انقلاب ایران حسن البکر از ریاست‌جمهوری عراق کناره‌گرفت و صدام که معاونش بود رئیس‌جمهور شد. کودتایی آرام شکل گرفته بود.

ما ممکن است بسوزند. جنگ است. در زمان جنگ نمی‌توانید بگویید که من تضمین دارم که تأسیسات نفتی‌ام نسوزند. وقتی تأسیسات ما آتش می‌گیرند، تأسیسات آن‌ها هم آتش می‌گیرند. یعنی یک موقعیت با موقعیت دیگر مواجه می‌شود. نه فقط ما، همه‌ی دنیا این را می‌دانند. این موضوع فقط توسط یک نهاد کنترل می‌شود. اگر در کنترل ما بود، که خواهان جنگ تمام‌عیار نبودیم. ما خواهان نابودی نفت و یورش به شهرها نیستیم. می‌خواهیم اهداف نظامی را بمباران کنیم. می‌خواهیم دست آن‌ها را بپیچانیم تا واقعیت حقوقی را قبول کنند. چه چیزی می‌تواند مانعمان شود هر زمان بخواهیم با نیروی نظامی قصر نامفهوم را بگیریم؟

ناوبری بین‌المللی نفت در تنگه‌ی هرمز [مطرح است]. همه‌ی این مسائل باید به‌خوبی سنجیده شود. یک موضوع باقی‌مانده که شاید رفقا هضم نکرده باشند و آن این است که مرزهای عراق حدود پنج یا هفت کیلومتر قبل از محمّره [خرمشهر] تمام می‌شود. درست پس از آن مرزهای ایران مستقیماً از این ساحل شروع می‌شود. به عبارت دیگر، آن طرف هیچ خاک عراقی وجود ندارد که بتوانیم برای کنترل ناوبری ایمن و پایدار رویش حساب کنیم. این وضعیت باید بسیار دقیق محاسبه شود. عراق از هر دو طرف زمین دارد که تا بعد بصره به ۷۲ کیلومتر می‌رسد. عراق از آن‌جا به بعد فقط ساحل غربی دارد. طرف دیگر متعلق به عربستان است. با این حال، از سال ۱۹۵۴ تحت حاکمیت ایرانی بوده است. پس سرباز عراقی نمی‌تواند به ساحل دیگر برود.»

در ادامه صدام درباره‌ی احتمال آسیب رسیدن به منابع نفتی و شهرهای عراق می‌گوید که چاره‌ای جز جنگ وجود ندارد؛ «تأسیسات نفتی هر دوی

⑤ دیدار میانجی‌های صلح از سازمان کنفرانس اسلامی با امام در اسفند ۱۳۵۹. هجوم ارتش صدام تلخی‌های زیادی داشت اما آن‌گونه که صدام می‌خواست پیش نرفت.

